

## نقد و بررسی برنامه درسی رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی

علی‌رضا فخاری\*

### چکیده

از اولین مسائل در بهینه‌سازی و ارتقای سطح کیفی رشته‌های تحصیلی توجه به برنامه درسی و محتوای آموزشی است که در سرفصل‌های آن رشته نمود می‌یابد. رشته علوم قرآن و حدیث، به سبب ارتباط با دو منبع وحیانی، باید از جامعیت مقبولی برخوردار باشد تا بتواند در تمام عرصه‌های دینی حضور پویا داشته باشد. احراز این جایگاه به برنامه‌ریزی دقیق در حوزه آموزش و پژوهش منوط است. مقطع کارشناسی به مثابه زیرساخت یک رشته باید بتواند توانمندی‌های لازم را در دانشجو ایجاد کند. این مطالبه قطعاً منوط به آموزش استاندارد خواهد بود. مطالعه نقدانه و آسیب‌شناسانه در سرفصل و برنامه آموزشی می‌تواند بخشی از مطلوب ما را محقق کند. انطباق نداشتن و متناسب نبودن برنامه درسی و محتوای آن با عنوان رشته، ضعف در تعیین اهداف دروس و سرفصل آن‌ها، ضعف در تعیین منابع، تکراری بودن بعضی مباحث، فقدان ارتباط منطقی بین دروس، خلأ نگاه نظام‌مند در تدوین سرفصل کارشناسی در عنایت به مقاطع سه‌گانه، بی‌توجهی به مسئله ارزش‌یابی در سرفصل و نیز متوازن نبودن دو حوزه مطالعات قرآنی و مطالعات حدیثی از نظر درسی از جمله آسیب‌های جدی این برنامه درسی است.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه درسی، سرفصل، محتوای آموزشی، رشته علوم قرآن و حدیث.

### ۱. مقدمه

محتوای برنامه درسی یکی از عوامل مؤثر در یادگیری محسوب می‌شود (ملکی، ۱۳۸۸: ۲۱).

---

\* استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، گروه علوم قرآن و حدیث، Fakhary\_a@Yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۸

یکی از اولین مسائل در اصلاح رشته‌های دانشگاهی توجه به برنامه‌درسی و محتوای آموزشی است. برای این مهم بررسی سرفصل‌های درسی برای رفع کاستی‌ها و تبدیل چالش‌ها و تهدیدها به فرصت‌ها ضروری است.

با توجه به این‌که رشته علوم قرآن و حدیث مربوط به ساحت دین‌پژوهی است و از دیگر سو از علوم میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود (جمعی از اساتید، ۱۳۹۰: ۸۷)، اهمیت و ضرورت پرداختن به آن دوچندان می‌شود؛ از این رو، تبیین ضعف‌ها و اصلاح آن‌ها می‌تواند عاملی مهم در تولید علم در حوزه دین باشد.

باید دانست تدوین سرفصلی جدید مشکلات پیش‌روی این رشته را حل نخواهد کرد، چرا که حل یک مسئله و مشکل، بدون شناخت ابعاد و ریشه‌های آن، به فرجامی مطلوب منتهی نمی‌شود. بنابراین لازم است با نگاه نقادانه و آسیب‌شناسانه در جهت رفع کاستی‌ها و کسب بایستگی‌ها، خروج از وضع موجود، و حرکت به سمت مطلوب تلاش کرد تا بتوان خوانشی صحیح‌تر از اهداف و محتوای درسی این رشته داشت و این می‌تواند مقدمه‌ای برای تدوین سرفصلی کارآمد و متناسب با نیازها و اهداف واقعی باشد.

درباره برنامه‌درسی و آموزشی، که ناظر به رشته‌های علمی و دوره‌های آموزشی است، به‌صورت کلی آثار متعددی به‌چاپ رسیده است؛ اما در خصوص این رشته جز مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی سرفصل، متون و منابع آموزشی درس تفسیر قرآن کریم، گرایش علوم قرآن و حدیث» از سیدمصطفی احمدزاده اثر دیگری در دست نیست.

در این مقاله ساختار و محتوای سرفصل رشته علوم قرآن و حدیث (کارشناسی) مصوب چهارصدمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۸ ارزیابی می‌شود. این سرفصل در برخی مراکز دانشگاهی از جمله دانشگاه‌های علامه طباطبایی، الزهراء، قم، و شهید مدنی آذربایجان اجرا می‌شود. این بررسی می‌تواند الگویی ناظر به سایر سرفصل‌های مصوب این رشته باشد؛ چرا که ساختار و محتوای سرفصل‌های این رشته با هم‌دیگر تفاوت ماهوی و اساسی ندارد و تنها تفاوتشان در کمیت تعداد واحد برخی دروس با اندک اختلافی در رئوس مطالب درسی و منابع آن‌هاست.

## ۲. گزارشی از طبقه‌بندی دروس و تحلیل آماری سرفصل

ابتدا، ضمن ارائه ساختار، جزئیات سرفصل و دسته‌بندی موضوع‌های درسی، درصدشان نیز مشخص می‌شود. بیان اهداف تعیین شده نیز میزان مطابقت موضوع‌های سرفصل با عنوان رشته و مطابقت این دو با اهداف بیان‌شده را نشان خواهد داد.

تعداد کل دروس این سرفصل ۱۳۵ واحد (+ یک واحد درس تنظیم خانواده) تعیین شده است که در سه گروه عمومی، پایه، و تخصصی ارائه می‌شود.

دروس عمومی با ۱۰ واحد (معادل ۷/۴ درصد کل دروس) شامل فارسی (۳)، انگلیسی (۳)، تربیت بدنی (۲)، و تعلیم و تربیت اسلامی (۲) است.

دروس پایه با ۶۸ واحد (معادل ۵۰/۴ درصد) شامل عربی (۴۰)، تجوید و آداب تلاوت (۲)، انگلیسی (۶)، تاریخ اسلام (۴)، عقاید (۴)، آشنایی با کلیات علوم اسلامی (۲)، مبادی فقه (۲)، مبادی اصول (۲)، منطق (۲)، روش تحقیق (۲)، و آشنایی با ادیان بزرگ (۲) است. دروس تخصصی با ۵۷ واحد (معادل ۴۲/۲ درصد) شامل دو بخش مطالعات قرآن و حدیث است که بخش اول، جمعاً ۴۱ واحد، شامل سبک‌های تلاوت (۱)، اعراب قرآن (۴)، مفردات قرآن (۲)، تاریخ قرآن (۲)، علوم قرآن (۱۰)، مباحث مقدماتی تفسیر (۶)، تفسیر قرآن (۱۶) و بخش دوم، جمعاً ۱۶ واحد، شامل تاریخ حدیث (۴)، جوامع حدیثی (۲)، فقه الحدیث (۴)، درایة الحدیث (۲)، و نهج البلاغه (۴) است.

جدول ۱. جدول اجمالی دروس رشته علوم قرآن و حدیث

| عناوین اصلی          |       | عمومی   |            |                      | پایه        |               |                             | تخصصی                                                                            |       |       |
|----------------------|-------|---------|------------|----------------------|-------------|---------------|-----------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|-------|-------|
| عناوین موضوعی        | فارسی | انگلیسی | ورزش       | تعلیم و تربیت اسلامی | عربی        | انگلیسی       | مبنای (روش‌شناسی)           | چینی                                                                             | قرآنی | حدیثی |
| تعداد واحدهای موضوعی | ۳     | ۳       | ۲          | ۲                    | ۴۲          | ۶             | ۶                           | ۱۴                                                                               | ۴۱    | ۱۶    |
| درصد موضوعی          | ۲/۲۲  | ۲/۲۲    | ۱/۴۸       | ۱/۴۸                 | ۳۱/۱۱       | ۴/۴۴          | ۴/۴۴                        | ۱۰/۳۷                                                                            | ۳۰/۳۷ | ۱۱/۸۵ |
| عناوین دروس          | فارسی | انگلیسی | تربیت بدنی | تعلیم و تربیت اسلامی | عربی، تجوید | انگلیسی تخصصی | مبادی اصول، منطق، روش تحقیق | عقاید، مبادی فقه، آشنایی با کلیات علوم اسلامی، تاریخ اسلام، آشنایی با ادیان بزرگ |       |       |
| جمع واحدها           | ۱۰    |         |            | ۶۸                   |             |               | ۵۷                          |                                                                                  |       |       |
| درصد                 | ۷/۴   |         |            | ۵۰/۴                 |             |               | ۴۲/۲                        |                                                                                  |       |       |

جدول ۲. جدول تفصیلی دروس علوم قرآن و حدیث - مقطع کارشناسی،

بر اساس سرفصل موخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۸ مصوب جلسه ۴۰۶

| عنوان کامل دروس                                                                 | ساعات تدریس | جمع تعداد واحد | زیرموضوع      | موضوع کلی  | نوع دروس |
|---------------------------------------------------------------------------------|-------------|----------------|---------------|------------|----------|
| فارسی                                                                           | ۴۸          | ۳              | فارسی         |            | عمومی    |
| تربیت بدنی ۱ و ۲                                                                | ۶۴          | ۲              | تربیت بدنی    |            |          |
| تعلیم و تربیت اسلامی                                                            | ۳۲          | ۲              | تعلیم و تربیت |            |          |
| زبان خارجی                                                                      | ۴۸          | ۳              | عمومی         | انگلیسی    | پایه     |
| زبان خارجی تخصصی ۱ و ۲ و ۳                                                      | ۹۶          | ۶              | تخصصی         | انگلیسی    |          |
| صرف ۱ و ۲                                                                       | ۶۴          | ۴              | صرف           | آموزش عربی |          |
| نحو ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵                                                           | ۱۶۰         | ۱۰             | نحو           |            |          |
| بلاغت ۱ و ۲                                                                     | ۶۴          | ۴              | بلاغت         |            |          |
| مکالمه زبان عربی ۱ و ۲                                                          | ۶۴          | ۲              | مکالمه        |            |          |
| آزمایشگاه زبان عربی ۱ و ۲                                                       | ۶۴          | ۲              | آزمایشگاه     |            |          |
| معاصر و مطبوعات؛ علوم قرآنی و تفسیری؛ حدیث و سیره؛ متون ادبی قبل و بعد از اسلام | ۱۹۲         | ۸              | قرائت متون    |            |          |
| انشای ۱ و ۲                                                                     | ۴۸          | ۲              | انشاء         |            |          |
| ترجمه عربی به فارسی ۱ و ۲                                                       | ۶۴          | ۴              | ترجمه         |            |          |
| تجزیه و ترکیب ۱ و ۲                                                             | ۶۴          | ۴              | تجزیه و ترکیب |            |          |
| تجوید و آداب تلاوت                                                              | ۴۸          | ۲              | تجوید         |            |          |
| عقاید ۱ و ۲                                                                     | ۶۴          | ۴              | عقاید         |            |          |
| تاریخ اسلام ۱ و ۲                                                               | ۶۴          | ۴              | تاریخ اسلام   |            |          |
| آشنایی با ادیان بزرگ و کتاب‌های آنها                                            | ۳۲          | ۲              | ادیان         |            |          |
| آشنایی با کلیات علوم اسلامی                                                     | ۳۲          | ۲              | علوم اسلامی   |            |          |

|                             |     |    |             |      |       |      |  |
|-----------------------------|-----|----|-------------|------|-------|------|--|
| مبادی فقه                   | ۳۲  | ۲  | فقه         |      |       |      |  |
| مبادی اصول فقه              | ۳۲  | ۲  | اصول        |      |       |      |  |
| منطق                        | ۳۲  | ۲  | منطق        |      |       |      |  |
| روش تحقیق                   | ۳۲  | ۲  | روش تحقیق   |      |       |      |  |
| سبک‌های تلاوت و حفظ قرآن    | ۳۲  | ۱  | حفظ و تلاوت | قرآن | تخصصی |      |  |
| اعراب قرآن ۱ و ۲            | ۶۴  | ۴  | اعراب قرآن  |      |       |      |  |
| مفردات قرآن                 | ۳۲  | ۲  | مفردات      |      |       |      |  |
| علوم قرآن ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ | ۱۶۰ | ۱۰ | علوم قرآن   |      |       |      |  |
| تاریخ قرآن                  | ۳۲  | ۲  | تاریخ قرآن  |      |       |      |  |
| تاریخ تفسیر                 | ۳۲  | ۲  | مبادی تفسیر |      |       |      |  |
| اصول و مقدمات تفسیر         | ۳۲  | ۲  |             |      |       |      |  |
| شیوه‌های تفسیری             | ۳۲  | ۲  |             |      |       |      |  |
| تفسیر قرآن ۱ و ۲ و ۳ و ۴    | ۲۵۶ | ۱۶ | تفسیر       |      |       | حدیث |  |
| تاریخ حدیث ۱ و ۲            | ۶۴  | ۴  | علوم حدیث   |      |       |      |  |
| جوامع حدیثی                 | ۳۲  | ۲  |             |      |       |      |  |
| درایة‌الحدیث                | ۳۲  | ۲  |             |      |       |      |  |
| فقه‌الحدیث ۱ و ۲            | ۶۴  | ۴  |             |      |       |      |  |
| نهج‌البلاغه ۱ و ۲           | ۶۴  | ۴  | معارف حدیث  |      |       |      |  |

### ۳. نقد طبقه‌بندی برنامه درسی سرفصل (عمومی، پایه، و تخصصی)

گزارش یادشده نشان می‌دهد که دروس تخصصی واحدهای کم‌تری از دروس عمومی و پایه را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به این‌که اختصاص دروس پایه در رشته‌های دانشگاهی امری اجتناب‌ناپذیر است، توجه به توازن دروس و نسبت آن‌ها با عنوان رشته ضروری است. به‌نظر می‌رسد این تشتت در ساختار از طرفی به ماهیت رشته از جهت وسعت علمی آن و، از دیگر سو، به محدودیت زمانی و تعداد واحدهای مشخص برمی‌گردد.

جدول ۳. تقسیم‌بندی کلی دروس رشته علوم قرآن و حدیث از حیث موضوع

| ردیف | حوزه                     | زیرفصل‌ها                             | تعداد واحد | درصد کل دروس |
|------|--------------------------|---------------------------------------|------------|--------------|
| ۱    | حوزه مطالعات قرآنی       | علوم قرآن<br>تفسیر قرآن<br>دروس مربوط | ۴۳         | حدود ۳۱/۸۵   |
| ۲    | حوزه مطالعات حدیثی       | علوم حدیث<br>معارف حدیث               | ۱۶         | حدود ۱۱/۸۵   |
| ۳    | حوزه آموزش زبان دوم      | زبان عربی<br>زبان انگلیسی             | ۴۹         | حدود ۳۶/۲۹   |
| ۴    | حوزه مباحث جنبی و تکمیلی | ...                                   | ۲۷         | حدود ۲۰      |

قالب تکراری و رونویسی شده از روی سایر رشته‌های دانشگاهی در مقطع کارشناسی با حداکثر ۱۴۰ واحد درسی شاید بتواند پاسخ‌گوی نیاز بعضی رشته‌ها باشد، ولی با توجه به تفاوت ظرفیت علمی رشته‌های دانشگاهی نمی‌تواند در همه رشته‌ها صحیح و تسری‌پذیر باشد؛ از جمله در این رشته که ناظر بر دو موضوع مهم و تفکیک‌ناپذیر «قرآن» و «حدیث» است. بنابراین ضرورت دارد سیاست‌های وزارت علوم در این باره تصحیح شود تا برنامه‌ریز درسی بتواند سرفصل دقیق‌تری را طراحی کند.

مضاف بر آن، ارتباط دروس عمومی و پایه با دروس تخصصی، حداقل در مواردی، مبهم است و گاه ارتباطی یافت نمی‌شود. درس فارسی عمومی از این زمره است. ارتباط درس ۳ واحدی زبان خارجی (عمومی) با پیش‌خوانده‌های راه‌نمایی و دبیرستان و دروس ۶ واحدی زبان خارجی تخصصی ذیل دروس پایه روشن نیست. اگر خود این دروس موضوعیت دارند، دلیل وجودی آن‌ها و رابطه‌شان با آموخته‌های قبل و بعد چیست.

#### ۴. نقد و بررسی گونه‌های مختلف درسی در سرفصل

مطالعه موردی هر یک از دروس، ضمن ترسیم ساختار سرفصل، بیش از پیش با ضعف و قوت‌های برنامه‌دستی آشنا می‌نماید که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

##### ۱.۴ دروس مربوط به تفسیر

دروس تفسیری با اختصاص ۱۶ واحد درسی (۲۵۶ ساعت) با عنوان تفسیر قرآن ۱، ۲، ۳ و

۴ هر کدام به اندازه ۴ واحد طراحی شده است. پیش‌نیاز همه این دروس درس اصول و مقدمات تفسیر مقرر شده است. بر این اساس، هیچ‌یک از این چهار درس تقدم و تأخری بر هم ندارند.

#### ۱.۱.۴ تفسیر قرآن ۱

محتوای آموزشی این درس با هدف «آشنایی با تفسیر قرآن کریم با گرایش تفسیر اثری»، سوره‌های اقرأ، محمد، توحید، کوثر، نجم، و پنج آیه سوره بقره تعیین شده است. منابع درس، علاوه بر جزوه استاد، تفسیرهایی از شیعه و اهل سنت معرفی شده که برخی از آنها خارج از موضوع و هدف درس است.

معلوم نیست انتخاب سوره‌های تعیین شده بر چه معیاری استوار است. همچنین، هدف تعریف شده فقط شناساندن یکی از گرایش‌های تفسیری است، نه کسب معارف سوره‌های منتخب. به عبارتی روشن، محتوای این درس ناظر به خود تفسیر نیست، بلکه با روش‌های تفسیری تناسب دارد. ملاک انتخاب منابع نیز نامعلوم است.

#### ۲.۱.۴ تفسیر قرآن ۲

سرفصل این درس، با هدف «آشنایی با تفسیر قرآن کریم با گرایش فقهی»، منتخبی از آیات الاحکام است. منابع این درس به صورت مستقل ذیل عنوان «منابع» ذکر نشده، ولی ذیل سرفصل از ۱۳ منبع یاد شده که ۵ منبع از نویسندگان شیعی، ۱ منبع از شوکانی زیدی متمایل به اهل سنت (ایازی، ۱۳۷۸: ۲۱۱) و ۶ منبع دیگر از اهل سنت با گرایش‌های فقهی متفاوت (شافعی، مالکی، حنفی، و حنبلی) است. تفسیرهای التحریر و التنویر و فتح القدر نیز منابع مناسبی برای آیات الاحکام به نظر نمی‌رسد. با توجه به منابع معرفی شده و اطلاق در بیان هدف درس، به طور مشخص معلوم نیست هدف آشنایی دانشجویان با فقه کدام‌یک از مذاهب خمس است. مضاف آن‌که معین نبودن دامنه درس و مشخص نبودن آیاتی که مطالعه می‌شود مطلوب نیست. نکته دیگر آن‌که نام کتاب متناسب به جصاص گویا احکام القرآن است که در سرفصل با آیات القرآن از آن یاد شده است.

#### ۳.۱.۴ تفسیر قرآن ۳

سرفصل این درس با هدف «آشنایی با تفسیر قرآن کریم با گرایش‌های فلسفی، کلامی، و عرفانی» منتخبی از سوره‌های قرآن بدون تعیین آن‌هاست. لذا هر استادی مختار است هر مقدار و محتوایی را انتخاب کند.

همانند تفسیر ۲ منابع ذیل عنوان «منابع» ذکر نشده، ولی ذیل سرفصل از ۱۶ منبع شامل تفسیر ملاحظه‌ها، رساله‌های ابن‌سینا، نوشته‌های شیخ اشراق، تفسیر محیی‌الدین ابن‌عربی، تأویلات ملا عبدالرزاق کاشی، غرائب القرآن نیشابوری، حقائق التفسیر سلمی، کشف الاسرار میبدی، مفاتیح‌الغیب فخررازی، کشف زمخشری، تنزیه القرآن عن المطاعن قاضی عبدالجبار، النکت و العیون ماوردی، لطائف‌الاشارات قشیری، تفسیر کلامی محمدحسین روحانی و تأویلات نجمیه از نجم‌الدین دایه و علاء‌الدین سمنانی یاد شده است.

با توجه به معین نبودن دامنه درس، بعید می‌نماید که هر یک از آیات مطرح‌شده در کلاس به منابع یادشده ارجاع داده شود. بنابراین، انتخاب منابع نیز به‌اختیار استاد است. تأکید بر سه گرایش فلسفی، کلامی، و عرفانی در این درس یکی دیگر از معضلات است؛ چرا که امکان طرح دیدگاه‌های تفسیری سه حوزه بزرگ فکری، که هر کدام مبادی و مبانی خاص خود را دارند، در یک درس سخت است. از سویی، منابع معرفی‌شده با مبانی معرفتی دانشجویان این رشته به‌نحو شایسته منطبق نیست و احیاناً در مواردی مخالف بنیادهای مذهبی و اعتقادی آنان است. ارائه فهرستی از منابع ناهم‌گون و سکوت سرفصل درباره دامنه درس جز حیرت و تشتت فکری برای استاد و دانشجو نتیجه دیگری نخواهد داشت. بنابراین، شایسته است دامنه مطالعاتی درس به‌طور دقیق و هدفمند مشخص و در تعیین منابع دقت‌های لازم لحاظ شود.

#### ۴.۱.۴ تفسیر قرآن ۴

این درس با هدف «آشنایی با روش تفسیر موضوعی و نمونه‌هایی از آن» به دو بخش (الف) کلیاتی درباره تفسیر موضوعی و (ب) بررسی چند موضوع از جمله اخلاق و سیره پیامبر (ص)، عصمت، امامت، و علم غیب) تقسیم شده است. در منابع این درس، علاوه بر جزوه استاد، به ۹ منبع دیگر اشاره شده که اکثر آن‌ها، جز دو منبع، مربوط به مبادی و مبانی تفسیر موضوعی است، نه تفسیری از موضوع‌های گوناگون قرآنی.

بخش اول سرفصل (کلیاتی درباره تفسیر موضوعی) ناظر به مبادی تفسیر و دروس مرتبط با دو درس «اصول و مقدمات تفسیر» و «شیوه‌های تفسیری» است (البته در این دو درس به تفسیر موضوعی اشاره نشده است). برنامه درسی و منابع نشان می‌دهد که به صبغه تفسیری کم‌تر توجه شده و غلبه با مباحث مقدماتی است.

حاصل سخن در باب دروس تفسیری این‌که اهداف ذکرشده آن‌گونه که باید نمی‌تواند اهداف مطلوبی تلقی شود. در حقیقت، معلوم نیست هدف از درس تفسیر آشنایی با



آموزه‌های قرآنی است یا آشنایی با مکتب‌های تفسیری. انتخاب دامنه مطالعاتی (سوره‌ها، آیات، و موضوع‌ها) نیز بر اساس معیار هدفمندی نیست. این مسئله در انتخاب منابع نیز صدق می‌کند. معین نبودن دامنه مطالعاتی در دو درس تفسیر ۲ و ۳ زمینه‌ساز اعمال سلیقه‌های شخصی است و در نهایت به ناهم‌سانی آموزشی میان فارغ‌التحصیلان منجر خواهد شد. هم‌چنین، ارتباط تنگاتنگی میان دروس تفسیری و پیش‌نیاز آن‌ها (درس «اصول و مقدمات تفسیر») مشاهده نمی‌شود. در ارائه منابع درسی نیز التزام به ملاکی مشخص مشهود نیست که یا به ناصحیح بودن هدف‌گذاری رشته و درس برمی‌گردد و یا به بی‌توجهی برنامه‌ریز درسی. این معضل در دو درس تفسیر ۲ و ۳ نیز ظهور دارد که شامل مباحث فقهی و کلامی‌اند. بنابراین، اهداف، اصول مشخص، و ساختار استاندارد بر این چهار درس حاکم نیست.

نپرداختن به مباحث نوین، اکتفا به شیوه‌های سنتی، بهره نبردن از روش‌ها و رویکردهای متنوع، فقدان منابع آموزشی کارآمد، بسترسازی نکردن تفسیری، و دوری از بعد زندگی‌سازی، فرهنگ‌آفرینی، و هدایت‌گری قرآن از مواردی است که در دروس تفسیری این رشته در دانشگاه‌ها رایج است (احمدزاده، ۱۳۸۵: ۴۰۴-۴۱۵).

## ۲.۴ دروس مربوط به علوم قرآن

در سرفصل این رشته پنج درس ۲ واحدی (معادل ۱۶۰ ساعت) با عنوان علوم قرآن در نظر گرفته شده است. با توجه به زیرفصل‌های این عنوان مشخص می‌شود مراد از علوم قرآن مجموعه‌ای از علوم مقدماتی برای ورود به تفسیر قرآن کریم است. شایان ذکر است که دروس دیگری با عناوین متفاوت (تاریخ قرآن، اصول و مقدمات تفسیر، شیوه‌های تفسیری، و تاریخ تفسیر) نیز در این برنامه درسی وجود دارد که همان هدف دروس علوم قرآن را دنبال می‌کند.

### ۱.۲.۴ علوم قرآن ۱

سرفصل این درس با هدف «آشنایی با مباحثی از علوم قرآنی» شامل تعریف علوم قرآنی، معرفی اهم منابع علوم قرآنی، بررسی مباحثی از علوم قرآنی در دو محور «وحی» و «اسباب نزول» است. این نوع هدف‌گذاری برای یک درس به صورت مطلق صحیح نیست و باید رئوس مطالب هر درس صریح و واضح تعیین شود. منابع این درس جزوه استاد با تکیه بر *التمهید فی علوم القرآن* معرفت، *اسباب النزول* واحدی، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*

زرقانی<sup>۱</sup>، دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی خرمشاهی (مدخل علوم قرآن)، المدخل فی علوم القرآن<sup>۲</sup> ابوشهبه، مباحث فی علوم القرآن صبحی صالح، الاتقان سیوطی (نوع نهم)، لباب التقول فی اسباب النزول سیوطی، البرهان زرکشی، علوم قرآن و فهرست منابع عبدالوهاب طالقانی، اسباب النزول عن الصحابة و المفسرين عبدالفتاح قاضی و الصحیح المسند فی اسباب النزول ابو عبدالرحمن رادعی معین شده است. تنوع نامتناسب این منابع، به‌ویژه منابع مربوط به غیر مبحث اسباب نزول، نشان می‌دهد که انتخاب آن‌ها دقیق نبوده و به بازنگری نیاز دارد.

#### ۲.۲.۴ علوم قرآن ۲

در محتوای درس با هدف «آشنایی با برخی مباحث علوم قرآنی» روش‌های بیان در قرآن با تکیه بر موضوع‌های قصه، مثل، جدل و استدلال، سوگندها، انواع خطاب، مفهوم و منطوق، تقدیم و تأخیر و نیز تکرار در قرآن به‌اجمال بررسی می‌شود.

منابع درس جزوه استاد با تکیه بر الاتقان (انواع ۱۱، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۶۶، ۶۷، ۶۸ و ۶۹)، قصص الانبیاء عبدالوهاب نجار، القصص القرآنی عبدالکریم خطیب، امثال قرآن علی اصغر حکمت، البرهان زرکشی، امثال القرآن عبدالرحمن میدانی، دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی خرمشاهی (مدخل‌های امثال، اقسام، جدل، و قصه)، القصص القرآنی عماد زهیر حافظ، القصص القرآنی فضل حسن عباس، اسالیب البیان فی القرآن سیدجعفر حسینی، التبیان فی اقسام القرآن ابن‌قیم جوزیه و الفوائد المشوقه الی علوم القرآن و علم البیان ابن‌قیم جوزیه تعیین شده است. پیش‌نیاز این درس فقط درس علوم قرآن ۱ است.

#### ۳.۲.۴ علوم قرآن ۳

در برنامه این درس با هدف «آشنایی با مباحثی از علوم قرآنی» مباحث ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، و مجمل و مبین به‌اجمال بررسی می‌شود.

منابع درس جزوه استاد با تکیه بر البیان خویی، الناسخ و المنسوخ نحاس، الاتقان (انواع ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹)، التمهید معرفت (جلد دوم)، مناهل العرفان زرقانی، الناسخ و المنسوخ بین اثبات و النفی عبدالمتعال جبری، النسخ فی القرآن الکریم مصطفی زید، مباحث فی علوم القرآن صبحی صالح، مباحث مطلق و مقید، عام و خاص، مجمل و مبین از کتاب‌های اصول فقه و الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم ابن عربی مالکی تعیین شده است. پیش‌نیاز این درس نیز فقط درس علوم قرآن ۱ است.

#### ۴.۲.۴ علوم قرآن ۴

در این درس با هدف «آشنایی با مباحثی از علوم قرآنی» موضوع‌های محکم و متشابه، تأویل، مجازات قرآن، آیات مشتبهات و مبهمات قرآن مطالعه می‌شود. منابع این درس جزوه استاد با تکیه بر *الاتقان* (انواع ۴۳، ۵۲، ۶۳، و ۷۰)، *متشابه القرآن و مختلفه ابن شهر آشوب*، تفسیرهای قرآن به‌ویژه *المیزان* ذیل آیه هفتم سوره آل عمران، *اضواء علی متشابهات القرآن* خلیل یاسین، *متشابه القرآن* عبدالجبار، *مجازات القرآن* سیدرضی، *دره التنزیل و غرة التأویل خطیب اسکافی*، *متشابه القرآن* ملاصدرا، *التمهید معرفت* (بحث محکم و متشابه)، *دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی* خرمشاهی (مدخل‌های محکم و متشابه، مبهمات، مجاز)، *مجاز القرآن* معمر بن مثنی، *قرآن در اسلام* علامه طباطبایی و محکم و متشابه نقیسی مقرر شده است. پیش‌نیاز این درس نیز فقط درس علوم قرآن ۱ است.

#### ۵.۲.۴ علوم قرآن ۵

در این سرفصل با هدف «آشنایی با برخی از مباحث علوم قرآنی» موضوع‌های اعجاز قرآن، اختلاف‌ناپذیری قرآن، وزن و نظم و فواصل آیات، و تناسب آیات و سوره‌هاجمال بررسی می‌شود. منابع این درس جزوه استاد با تکیه بر *الاتقان* (انواع ۴۸، ۵۹، ۶۲، و ۶۴)، *التمهید معرفت*، *علوم قرآنی معرفت*، *البیان خوبی*، *مناهل العرفان* زرقانی، *تفسیر المیزان* (آیات تحدی)، *المعزة الكبرى* ابوزهره، و *اعجاز القرآن* باقلانی است. پیش‌نیاز این درس علوم قرآن ۱، علوم قرآن ۲، علوم قرآن ۳، و علوم قرآن ۴ تعیین شده است.

به‌نظر می‌رسد هدف ذکرشده در سرفصل که برای همه این دروس پنج‌گانه یک‌سان تعریف شده (آشنایی با برخی از مباحث علوم قرآنی) طراحی این بخش را با مشکل مواجه کرده است؛ اولاً این هدف ناظر بر بیش‌تر دروس و بخش اعظمی از خود رشته است، در حالی که هدف هر درس باید ناظر بر آن درس باشد و ثانیاً اگر رسالت مباحث علوم قرآن توانمند کردن فرد برای ورود به تفسیر یا تحلیل آرای تفسیری است، پس هدف این نوع دروس باید به‌کارگیری این آگاهی باشد، نه آشنایی با آن. از دیگر سو، ارتباط محتوایی و منسجمی بین دروس علوم قرآن برقرار نیست و شماره‌گذاری آن‌ها به ۱، ۲، ۳، ۴، و ۵ صورتی است، به‌طوری که تعیین یک یا چند درس به‌عنوان پیش‌نیاز خللی در روند آموزشی ایجاد نمی‌کند. بر این اساس، مسئله پیش‌نیاز در این دروس منتفی است. هم‌چنین، بین این دروس و دروسی که به‌نوعی زیرمجموعه مباحث علوم قرآن و مقدمه ورود به تفسیر محسوب می‌شوند ارتباط منطقی و معناداری از حیث علمی یا تقدم

و تأخر مشاهده نمی‌شود. در تعیین منابع نیز دقت لازم نشده است، به طوری که منابع نامربوط نیز به چشم می‌خورد.

گفتنی است اصطلاح‌های «علوم قرآن» و «علوم قرآنی» به حسب تفاوت در نوع ترکیبشان (وصفی و اضافی) معنای متفاوتی افاده می‌کنند، ولی در سرفصل یادشده میان آن‌ها تفاوتی لحاظ نشده است.

### ۳.۴ دروس مربوط به مبادی تفسیر

علاوه بر دروس علوم قرآن، برای آشنایی با مباحث تفسیری نیز دروسی منظور شده است که از آن‌ها به دروس «مبادی تفسیر» یاد کرده‌ام. این مجموعه شامل دروس «تاریخ تفسیر»، «اصول و مقدمات تفسیر»، و «شیوه‌های تفسیری» هر کدام به ارزش ۲ واحد است. این دروس مکمل دروس علوم قرآن است و درآمدی برای ورود به تفسیر تلقی می‌شود. ضرورت وجود این دروس انکارناپذیر و لازم است مبادی و مبانی تفسیر از قبل تبیین شده باشد. اما اولین ایرادی که درباره محتوای این دروس مطرح است تکرار مطالبی است که گاه در سایر دروس نیز طرح شده است.<sup>۳</sup> این تکرار در درس «اصول و مقدمات تفسیر» نمایان است.

درس «شیوه‌های تفسیری» از سرفصل جامع و کاملی برخوردار نیست و در محورهای اصلی درس نیز آشفتگی مشاهده می‌شود. تقسیم محورهای درس به شرح زیر نشان از این ادعا دارد:

۱. معرفی تفسیر اثری و منابع آن؛
۲. تفسیر غیراثری (شیعه، معتزله، اشاعره، سلفیه، باطنیه، صوفیه و عرفا، و فلاسفه)؛
۳. تفسیر مذاهب فقهی (آیات الاحکام)؛
۴. تفسیر ادبی؛
۵. تفسیر علمی.

این تقسیم‌بندی مبنای مشخصی ندارد و جز سردرگمی چیزی به بار نمی‌آورد. معلوم نیست بر چه اساسی هفت تفسیر یادشده برای تفسیر غیراثری معین شده و تفسیر فقهی، ادبی، و علمی در عرض تفسیر اثری و غیراثری آمده است. برنامه درسی باید بنیان‌های علمی رشته را به درستی ترسیم کند. اگر به دانشجوی پزشکی یا مهندسی عمران آموزش غلطی ارائه شود، نمی‌توان از او انتظار درمان موفقیت‌آمیز یا محاسبه بی‌عیب و نقصی داشت.

#### ۴.۴ دروس مربوط به علوم حدیث

چهار درس مربوط به این حوزه ۱۲ واحد را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴. دروس مربوط به علوم حدیث

| تعداد واحد | نام درس      |
|------------|--------------|
| ۲          | تاریخ حدیث ۱ |
| ۲          | تاریخ حدیث ۲ |
| ۲          | فقه‌الحدیث ۱ |
| ۲          | فقه‌الحدیث ۲ |
| ۲          | درایه‌الحدیث |
| ۲          | جوامع حدیثی  |
| ۱۲         | جمع کل       |

مقایسهٔ حجمی مباحث حدیثی با توجه به عنوان رشته و بقیهٔ دروس حکایت از متوازن نبودن تقسیم دروس دارد. اگر ۴ واحد درس نهج‌البلاغه را (به‌عنوان درسی مربوط به معارف روایی) نیز به دروس ذکرشده بیفزاییم (جمعاً ۱۶ واحد)، کل دروس حدیثی حدود ۱۱/۵ درصد از کل دروس خواهد شد. با توجه به ضرورت هم‌سو بودن محتوای درسی هر رشته با عنوان آن، لازم است تأملی جدی در این باره انجام شود. در ادامه، محتوای آموزشی هر یک از دروس ذکرشده بررسی خواهد شد.

#### ۱.۴.۴ تاریخ حدیث

این درس که در دو نیم‌سال ارائه می‌شود به دو بخش شیعه و اهل سنت تقسیم شده است. هدف درس تاریخ حدیث ۱ «آشنایی با حدیث شیعه و جریان آن در تاریخ» و هدف درس تاریخ حدیث ۲ «آشنایی با حدیث اهل سنت و جریان آن در تاریخ» بیان شده است. باید گفت که آشنایی با حدیث شیعه و اهل سنت، که هدف این درس منظور شده است، به تاریخ حدیث ربطی ندارد، بلکه مربوط به دروس دیگر است.

نکتهٔ بعدی مسئلهٔ پیش‌نیاز این دو درس است؛ هیچ پیش‌نیازی برای هیچ‌یک از دو درس تاریخ حدیث تعیین نشده است. بنابراین تقسیم این درس به ۱ و ۲ جدی به‌نظر نمی‌رسد و می‌توان هر کدام از آن‌ها را بدون توجه به دیگری ارائه کرد. محتوای آموزشی این دروس به شرح زیر تعیین شده است:

#### ۱.۱.۴.۴ تاریخ حدیث ۱

محورهای درس به شرح زیر است:

- مباحث مقدماتی در دو بخش تعریف اصطلاح‌ها و حدیث در عصر پیامبر (ص)؛
- سنت و حدیث قدسی؛
- حدیث، اثر، خبر، روایت؛
- مصادر حدیث شیعه (چهارده معصوم)؛
- بررسی اجمالی حدیث شیعه در قرن اول؛
- آشنایی با اصل، کتاب؛
- اصول اربع‌مأة؛

- بررسی وضعیت حدیث در عصر صادقین؛

- مراجع و مشایخ حدیث شیعه شامل اصحاب اجماع، بزرگان محدثان تا قبل از کلینی، محمدون سه‌گانه اول (شناسایی اجمالی کتاب‌های اربعه)، محمدون سه‌گانه دوم (شناسایی اجمالی کتاب‌های حدیثی در دوره متأخرین)، حدیث در دوره معاصر.

چنین برمی‌آید که محتوای این درس ناشیانه طراحی شده است. آشفتگی و بی‌نظمی در سیر مباحث، خلط اصطلاح‌ها با مباحث تاریخی، اکتفا کردن به تاریخ حدیث شیعه در قرن اول و سپس عصر صادقین (علیهم‌السلام) و سپس دوره معاصر (آن هم ذیل محور «مراجع و مشایخ حدیث شیعه» و بی‌توجهی به سیر تاریخی تاریخ حدیث به‌طور کامل) نمونه‌ای از این طراحی نامناسب و غیرعلمی است. مبرهن است که بخش چشم‌گیری از مباحث منظور شده در این برنامه به‌هیچ‌وجه به این درس مربوط نیست و باید در درس دیگری ارائه شود. ذیل منابع اصلی دو کتاب تاریخ عمومی حدیث (بخش حدیث شیعه) نوشته مجید معارف و تاریخ حدیث نوشته کاظم مدیرشانه‌چی معرفی شده و ذیل منابع فرعی چهار کتاب معرفی شده که حداقل دو تای آن‌ها به اصطلاح‌های حدیثی مربوط است، نه تاریخ حدیث.

#### ۲.۱.۴.۴ تاریخ حدیث ۲

محورهای درس به شرح زیر است:

- حدیث نبوی و برخورد خلفای سه‌گانه با آن؛
- پدیده منع نگارش حدیث؛
- نقل حدیث بین منع و جواز؛
- بررسی وضعیت حدیث در دوره بنی‌امیه؛

- عمر بن عبدالعزیز و فرمان نگارش حدیث؛

- تدوین حدیث در دوره بنی‌عباس؛

- مراجع و مشایخ حدیث مکتب خلفا؛ شامل محدثان بزرگ قبل از صحاح سته، صاحبان صحاح سته، محدثان بعد از صحاح سته، حدیث و محدثان در دوره معاصر.

مباحث ذیل این درس غالباً با عنوان درس مرتبط است؛ با این حال، برخی از آن‌ها خارج از موضوع است. منابع اصلی این درس همان دو کتاب یادشده در تاریخ حدیث ۱، یعنی تاریخ عمومی حدیث (بخش اهل سنت) و تاریخ حدیث مدیر شانه‌چی است. سه منبع فرعی تا حدی به تاریخ حدیث مربوط است.

شایان ذکر است که پدیده‌های تاریخی را نمی‌توان مستقل از هم مطالعه کرد. بنابراین لازم است بحث را از نقطه صفر آغاز و اتفاقات واقع شده در بازه زمانی مد نظر را در کنار هم تعبیر و تفسیر کنیم. از این رو، درس تاریخ حدیث، همانند هر مبحث تاریخی دیگر، ابتدا و انتهای دارد که باید در طراحی درس لحاظ شود. به دیگر سخن، تاریخ حدیث شیعه و سنی در مواردی شاید به صورت منفک از هم قابل مطالعه باشد، ولی در مقام تشریح یک دوره تاریخ حدیث مقبول نمی‌نماید؛ بنابراین مباحث آن باید در کنار هم به صورت متوالی و بر اساس وقوع حوادث تاریخی ارائه شود تا سیر تطوراتی که در بستر زمان واقع شده است به روشنی مشاهده شود. بنابراین، مبنای تقسیم چنین درسی باید زمان و دوره‌های تاریخی باشد، نه تشیع و تسنن. مضاف آن‌که باید بخشی از مباحث غیرضروری حذف و نکات مهم دیگری که لحاظ نشده است جانشین شود.

#### ۲.۴.۴ درایة الحدیث

این درس با هدف «آشنایی با اصطلاح‌های علوم حدیث» طراحی شده و تاریخ حدیث ۱ و ۲ پیش‌نیاز آن است. محتوای آموزشی این درس به شرح زیر است:

- مباحث مقدماتی شامل معرفی علوم حدیثی؛

- بررسی اصطلاح درایة الحدیث و واژه‌های مترادف آن (مصطلح الحدیث،

اصول الحدیث و ...)

- بیان موارد متعددی در خصوص اقسام حدیث، تحمل حدیث، شرایط راوی؛

- آشنایی با علم رجال (شامل مباحث شناسایی اهم کتاب‌های رجالی فریقین، جرح و

تعديل و اصطلاح‌های آن‌ها، اصطلاح‌های مربوط به محدثان، و اصطلاح‌های مربوط به کتاب‌های حدیثی).

اولاً، معلوم نیست مباحث یادشده محور مستقل در نظر گرفته شده یا ذیل همان مباحث مقدماتی است که در این صورت کل سرفصل فقط ذیل یک محور (مباحث مقدماتی) مندرج است. ثانیاً، رابطه و نسبت مبحث «آشنایی با علم رجال» (که ناظر بر علم «راوی‌شناسی» است) با درایة‌الحدیث (که علم «روایت‌شناسی» است) روشن نیست؛ چرا که در این تقسیم‌بندی علم رجال زیرمجموعه‌ای از درایة‌الحدیث در نظر گرفته شده است، در حالی که دانش رجال و راوی‌شناسی مقدم بر علم‌الدرایة و روایت‌شناسی است. ثالثاً، مباحث ذیل علم رجال به صورت مستقیم به علم رجال مربوط نیست.

#### ۳.۴.۴ فقه‌الحدیث

این درس با هدف «آشنایی با فهم صحیح حدیث» در دو درس ۲ واحدی و برای دو نیم‌سال در نظر گرفته شده است. پیش‌نیاز فقه‌الحدیث ۱ درس درایة‌الحدیث و پیش‌نیاز فقه‌الحدیث ۲ درس فقه‌الحدیث ۱ است.

#### ۱.۳.۴.۴ فقه‌الحدیث ۱

محورهای درس به شرح زیر است:

- مباحث مقدماتی شامل کلیاتی درباره اهمیت فهم حدیث، اقسام حدیث از جهت مدلول، نقل به معنی در حدیث، تعارض در حدیث و روش‌های حل آن؛  
- بررسی نمونه‌هایی از احادیث فریقین در موضوع‌های فضائل و خواص قرآن، روایات تفسیر به رأی، روایات تفسیری فریقین و روایات اسباب نزول.  
تقسیم ساختار سرفصل به دو بخش نظری (مقدمات) و کاربردی (بررسی نمونه‌ها) کاری است شایسته که برای چنین دروسی ضروری است. البته جا داشت مباحث ضروری دیگری از جمله مبانی و روش‌های فهم حدیث برای بخش «الف» لحاظ شود.  
حوزه فقه‌الحدیث، که از انواع دلالت صحبت می‌کند، باید به انواع دلالت و زیرمجموعه‌های آن (دلالت‌های مفهومی و منطوقی هم‌چون نص، ظاهر، مجمل و نیز محورهای هم‌نشینی و جانشینی، حقیقت و مجاز، مشترک لفظی و معنوی) و هم‌چنین تعارض ادله و چگونگی حل آن، و تزامم ادله و چگونگی حل آن بپردازد. هم‌چنین، پرداختن به معیارهای اعتبارسنجی حدیث از جمله عرض حدیث بر قرآن و سایر روایات صحیح و مسلم برای فهم حدیث و قبول‌داشت آن هم‌چون حجتی شرعی می‌تواند بخشی از محتوای آموزشی این درس را پوشش دهد.



در بخش «ب» مشخص نیست نمونه‌های معرفی شده بر چه مبنایی استوار است. موضوعیت روایات تفسیر به رأی یا روایات اسباب نزول نیز نامعلوم است. با توجه به حجم زیادی از بی‌شمار موضوع‌های ذکر شده در روایات و نیز وجود اسرائیلیات و روایات مجعول، انتخاب روایات دقت ویژه‌ای می‌طلبد. موضوع‌های کاربردی این درس (فضایل و خواص قرآن، روایات تفسیر به رأی، روایات تفسیری فریقین، و روایات اسباب نزول) نیز ناظر بر موضوع‌های قرآنی است که از غفلت از سایر موضوع‌های مهم و رعایت نشدن توازن در انتخاب آن‌ها نشان دارد.

منابع این درس، علاوه بر جزوه استاد، شامل کتاب‌هایی است که مرجع و منبع اصلی تلقی می‌شوند. شایان ذکر است که انتخاب منابع باید منطبق بر اقتضای درس، نوع تدریس، و اثر آموزشی آن باشد. بنابراین، لازم است در این درس به کتاب‌هایی ارجاع داده شود که در طول تاریخ اسلام روایات را از جهات گوناگون ارزیابی کرده و در نهایت به صحت و سقم آن‌ها حکم داده‌اند. برای نمونه، می‌توان به کتاب *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول* اشاره کرد. عنایت به این‌گونه منابع روش مواجهه با انواع احادیث و فهم آن‌ها را می‌آموزد.

#### ۲.۳.۴.۴ فقه‌الحديث ۲

در این درس نمونه‌هایی از احادیث فریقین در موضوع‌های الف) اعتقادات، از جمله توحید، نبوت، امامت و وصایت و ب) احکام، از جمله صلاة و امر به معروف بررسی می‌شود. این نمونه‌ها به موضوع‌های مقبولی اشاره دارند و ایرادی بر آن‌ها به نظر نمی‌رسد. منابع این درس همان اشکال درس قبلی را دارد؛ جز در یک مورد که به شروح کتاب‌های اربعه و از آن جمله به کتاب *مرآة العقول* اشاره دارد و منبع بسیار خوب و مناسبی برای این درس محسوب می‌شود. این کتاب‌ها نقش شایانی در یادگیری فقه‌الحديث ایفا می‌کند.

#### ۴.۴.۴ جوامع حدیثی

این درس به ارزش ۲ واحد با هدف آشنایی اجمالی با جوامع حدیثی فریقین و ویژگی‌های آن‌ها طراحی شده است. پیش‌نیاز این درس تاریخ حدیث ۱ و ۲ است و سرفصل آن به دو بخش «کتب حدیثی اهل سنت» و «کتب حدیثی شیعه» تقسیم شده است که در هر بخش آثار مربوط معرفی خواهد شد.

می‌توان گفت محتوای درسی این درس به‌نحو شایسته‌ای تدوین شده است؛ ولی در بخش معرفی منابع فقط به برخی منابع دست دوم اکتفا شده و به کتاب‌های ذکر شده در

سرفصل (که هدف درس آشنایی اجمالی با آن‌هاست) هیچ اشاره‌ای نشده است. لازم است از منابع و مراجع غنی‌تر دیگری نیز استفاده شود.

به نظر می‌رسد بهترین شیوه آموزش برای چنین دروسی مواجه کردن دانشجو با منابع اصلی است، نه صرف گزارش دیگران از این کتاب‌ها؛ لذا باید منابع اصلی در معرض دید دانشجو قرار گیرد تا محتوای آن‌ها عیناً مشاهده شود. بیان مطالب جزوه درسی استاد یا سایر منابع نمی‌تواند آموزش مطلوبی را به دنبال داشته باشد.

سخن آخر درباره دروس مربوط به علوم حدیث این است که بخش چشم‌گیری از این دروس، از حیث تدوین سرفصل و برنامه درسی آن، به صورت شایسته‌ای تدوین نشده و ضروری است که از دو بُعد کمی و کیفی بازبینی شود. خلط مباحث، آشفتگی در ساختار، ضعف در منابع، و سایر مواردی که پیش‌تر ذکر شد حکایت از این امر دارد. هم‌چنین، درباره بعضی پدیده‌های مهم از جمله جعل حدیث در هیچ‌یک از دروس سخنی گفته نشده است.

#### ۵.۴ دروس مربوط به معارف حدیث

در این سرفصل ۴ واحد درسی با عنوان نهج‌البلاغه ۱ و ۲ برای آشنایی دانشجو با معارف حدیثی در نظر گرفته شده است. نادیده انگاشتن منابع روایی دیگر که بیان‌گر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) است در این رشته مناسب نمی‌نماید. می‌توان منابع دیگری از جمله الکافی را (به‌ویژه بخش اصول آن که یک دوره جهان‌بینی شیعی است) در برنامه درسی گنجانند.

#### ۶.۴ دروس مربوط به آموزش زبان عربی

حدود ۴۰ واحد (معادل ۳۰ درصد) از واحدهای درسی این رشته به آموزش زبان عربی اختصاص دارد. با توجه به عربی بودن زبان منابع اصلی دروس این رشته اولین و اصلی‌ترین زبان برای این رشته، به‌مثابه ابزاری لازم و ضروری، عربی است. این زبان باید با کیفیت مناسبی آموزش داده شود تا دانشجو توان فهم متون را داشته باشد. هم‌چنین، به سبب ضرورت ایجاد تعاملات علمی با جهان عرب، ضرورت یادگیری مکالمه عربی نیز ملموس‌تر می‌نماید. از این رو، پیش از تدوین دروس عربی برای این رشته باید چون و چرای فراگیری زبان عربی با اهداف رشته هم‌سو باشد و، بر اساس آن، تعداد واحدهای آموزش عربی و نوع آن تعیین شود. بنابراین، همان‌گونه که صاحب‌نظران این رشته به ضرورت تحول در آموزش زبان عربی نیز توجه می‌کنند (شکرانی، ۱۳۷۵: ۲۱-۲۲) باید به کمیت و کیفیت آموزش عربی در این رشته توجه کافی شود.

طراحی صحیح و مبتنی بر اصول علمی و استانداردهای آموزشی منوط به اظهار نظرهای تخصصی صاحب‌نظران آموزش زبان دوم (عربی و انگلیسی) است. بنابراین، یکی از عوامل آسیب‌زا و ناکارآمد در آموزش زبان دوم، به‌ویژه زبان عربی، برنامه‌ریزی این درس از سوی افراد غیرمتخصص است.

#### ۷.۴ دروس مربوط به آموزش زبان انگلیسی

دانشجو در مقطع کارشناسی ۹ واحد درس زبان انگلیسی (۳ واحد عمومی و ۶ واحد تخصصی) می‌گذراند. بر اساس نظر سنجی از اساتید زبان انگلیسی، یادگیری زبان انگلیسی به این صورت فقط اتلاف وقت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموختگان این رشته با زبان انگلیسی بیگانه‌اند و نتیجه بایسته از فراگیری زبان انگلیسی را با این شیوه به‌دست نمی‌آورند. پیش‌نهاد می‌شود که تعداد واحدهای این درس افزایش یابد و شیوه آموزش آن بنا به صلاح‌دید صاحب‌نظران و متخصصان آموزش زبان انگلیسی تغییر کند. تأکید بر آن است که تمام برنامه‌ریزی‌ها (کمی و کیفی) را افراد متخصص انجام دهند.

#### ۸.۴ دروس جنبی و تکمیلی

این مجموعه شامل ۱۱ درس با ۲۷ واحد (معادل ۲۰ درصد از مجموع دروس) است. این دروس بخشی از دروس عمومی و پایه است و نگارنده آن‌ها را به جنبی و تکمیلی نام‌گذاری کرده است.

جدول ۵. دروس جنبی و تکمیلی

| ردیف | درس                                   | تعداد واحد |
|------|---------------------------------------|------------|
| ۱    | زبان فارسی                            | ۳          |
| ۲    | تربیت بدنی ۱ و ۲                      | ۲          |
| ۳    | تعلیم و تربیت اسلامی                  | ۲          |
| ۴    | عقاید ۱ و ۲                           | ۴          |
| ۵    | تاریخ اسلام ۱ و ۲                     | ۴          |
| ۶    | منطق                                  | ۲          |
| ۷    | روش تحقیق                             | ۲          |
| ۸    | مبایدهای فقه                          | ۲          |
| ۹    | مبایدهای اصول فقه                     | ۲          |
| ۱۰   | آشنایی با کلیات اسلامی                | ۲          |
| ۱۱   | آشنایی با ادیان بزرگ و کتاب‌های آن‌ها | ۲          |
|      | جمع کل                                | ۳۷         |

در ادامه، بعضی از این دروس بررسی می‌شود.

#### ۱.۸.۴ زبان فارسی

این درس ۳ واحدی جزء دروس عمومی است و گذراندن آن در همه رشته‌ها الزامی است. با توجه با نیاز رشته به دروس مهم‌تر، حضور این درس غیرمنطقی می‌نماید. انتظار بر این است که دانش‌آموزی که ۱۲ سال با زبان و ادبیات فارسی ارتباط مستقیم داشته نیازی به گذراندن چنین درسی در دانشگاه نداشته باشد.

سه راه‌کار می‌توان پیش‌نهاد کرد: اول، در صورت مغایر نبودن با سیاست‌های کلی نظام آموزش عالی کشور این درس حذف و درس دیگری جایگزین آن شود؛ دوم، در محتوای آموزشی آن تغییراتی ایجاد شود و متون فارسی کهن (در حوزه ترجمه و تفسیر قرآن یا در حوزه شعر و عرفان با مضامین قرآنی و روایی) در برنامه درسی گنجانده شود؛ سوم، مباحث زبان‌شناسی که ناظر به اصول فهم متن است محتوای آموزشی این درس در نظر گرفته شود.

#### ۲.۸.۴ عقاید ۱ و ۲

این درس به ارزش ۴ واحد از مهم‌ترین مباحثی است که باید در این رشته آموزش داده شود تا، ضمن تحکیم مبانی فکری و اعتقادی دانشجوی، آمادگی مواجهه و مقابله با شبهات نیز ایجاد شود. خداشناسی، معاد، نبوت، و امامت چهار بحث مهمی است که برای این درس منظور شده است. با توجه به منابعی که برای این درس معرفی شده است و غالباً صبغه کلامی دارند پیش‌نهاد این است که در کنار بیان آرای متکلمان مستندات قرآنی و روایی نیز لحاظ شود.

#### ۳.۸.۴ تاریخ اسلام ۱ و ۲

این درس به ارزش ۴ واحد و از نیازهای مهم این رشته است و در آن تاریخ اسلام از آغاز تا آخر عصر خلفای سه‌گانه و تاریخ زندگانی امامان معصوم (علیهم‌السلام) مطالعه می‌شود. مطالعات تاریخی ضمن توصیف باید از تحلیل و تبیین نیز برخوردار باشد و به امر اخیر باید در شیوه آموزشی توجه شود تا دانشجوی در مواجهه با گزارش‌های تاریخی توان اعتبارسنجی آن را نیز داشته باشد.

#### ۴.۸.۴ منطق

منطق یکی از دروس پایه و درس مهمی است که پایه‌های استدلال دانشجوی را قوت می‌بخشد. به‌نظر می‌رسد دو واحد منظور شده برای این درس کم‌تر از نیاز دانشجوی علوم

قرآن و حدیث است. بنابراین، ضمن اصرار بر افزایش تعداد واحد این درس، لازم است درس‌نامه مناسب و جامعی نیز برای آن تدوین شود.

#### ۵.۸.۴ روش تحقیق

بی‌شک، فراگیری اصول و فنون پژوهش زمینه‌های بسط فکری، معرفت‌سازی، و تولید علم را نیز فراهم می‌آورد. این بحث از مباحث مهم در علوم انسانی (فدایی، ۱۳۸۵: ۱۱۵-۱۱۶) و ابزاری ضروری برای فهم و کشف حقیقت است. به‌رغم این اهمیت، در بعضی مراکز علمی به آن بی‌توجهی می‌شود. در سرفصل این درس نیز جلوه‌های این بی‌مهری تا حدی نمایان است. توجه مؤکد به این درس و توسعه آن به‌مثابه یکی از دروس لازم موجب تولید علم خواهد شد. بدون تقویت مبانی پژوهشی دانشجو توقع روحیه پژوهش و ارائه نوشته‌های محققانه غیرمنطقی و غیرمنصفانه است.

پیش‌نهاد می‌شود، ضمن افزایش کمی این درس از ۲ واحد به ۴ واحد، محتوای آن نیز از غنای لازم و کافی برخوردار شود تا زمینه‌ساز رشد و توسعه فکری دانشجو شود. تحقق این آرمان فقط منوط به این درس نیست و به مؤلفه‌های دیگری نیز نیاز دارد که تدوینگر برنامه درسی باید آن‌ها را رصد و در برنامه آموزشی لحاظ کند. رویکردهای گوناگون در روش تحقیق هم‌چون پدیدارشناسی، مطالعات تاریخی، و مطالعات تطبیقی (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۳۰) از جمله اموری است که در این درس باید بر آن‌ها تأکید شود.

#### ۶.۸.۴ مبادی فقه

ضمن اذعان به اهمیت این درس باید گفت که تدریس آن نباید فقط به آموزش چند مفهوم فقهی محدود باشد. برای بهبود وضعیت آموزشی این درس می‌توان با استفاده از ابواب مهم و کاربردی از اصل متون فقهی (از جمله شرح لمعه) بهره جست.

#### ۷.۸.۴ مبادی اصول فقه

این درس (هم‌چون منطق) از دروس مهمی است که توان تحلیل متن و استدلال را در دانشجو تقویت می‌کند. این اهمیت تا بدان‌جاست که به نظر این‌جانب بهتر است این درس ۲ واحدی تا ۶ واحد افزایش یابد، چرا که آشنایی با چند اصطلاح پایه علمی قابل قبولی فراهم نمی‌کند. محتوای آموزشی این درس باید به‌گونه‌ای طراحی شود تا دانشجو بتواند یک دوره علم اصول (حداقل اصول مظفر) را به‌طور کامل فراگیرد و در فهم آیات و روایات از آن بهتر و بیش‌تر بهره برد.

#### ۹.۸.۴ آشنایی با کلیات اسلامی

این درس ۲ واحدی که جزء دروس پایه است شامل مباحث کلام، فلسفه، عرفان، و تصوف است.

نکته اول درباره این درس حجم کم و نامتناسب آن با مباحث یادشده است. به عبارتی، ۲ واحد برای این چهار مبحث کافی نیست و لازم است در این خصوص بازنگری شود؛ به ویژه آن که برای تقویت صبغه متفکرانه و نقادانه و فهم هر چه بیش تر مطالعات قرآنی و حدیثی آموزش یک دوره فلسفه برای این رشته لازم است.

#### ۱۰.۸.۴ آشنایی با ادیان بزرگ و کتاب‌های آنها

این درس از دروس لازمی است که تدریس آن در مقطع کارشناسی کفایت می‌کند. با این حال دو نکته پیش‌نهاد می‌شود: اول، اهمیت به بازگویی نگاه قرآن درباره این ادیان و اکتفا نکردن به کتاب‌های دست‌چندم؛ دوم، تشریح وجوه اشتراک و افتراق ادیان از جهات گوناگون و تبیین برتری اسلام بر سایر ادیان. این به دانشجو کمک می‌کند تا باورهای دینی خود را استحکام بخشد و توان پاسخ‌گویی به سؤال‌ها را داشته باشد. همین امر عزت نفس و علاقه به کسب معارف دینی را افزایش می‌دهد.

نکته مهم در خصوص دروس جنبی و تکمیلی این است که باید دروس ضروری و لازم احصا و کم و کیف آنها با مدیریتی دقیق تعیین شود. ارائه اطلاعات اجمالی درباره مسائل گوناگون به دانشجو با توجه به محدودیت زمانی و حجمی دروس او را از یادگیری شایسته و بایسته دروس اصلی و تخصصی بازمی‌دارد. بنابراین، در تعیین دروس، رعایت «احصای دروس ضروری‌تر» و «توجه به جنبه‌های گوناگون دروس برای بهره‌وری بهینه» لازم است.

#### ۵. تکراری بودن محتوای درسی برخی دروس و سرفصل‌ها

با مراجعه به سرفصل مشاهده می‌شود که در مواردی مباحث تکراری است؛ در چنین شرایطی، ضمن آن که فرصت ارائه مبحث دیگری از دست می‌رود، موجب خستگی و دلزدگی دانشجو نیز می‌شود.

برای مثال، مبحث وحی در هر دو درس علوم قرآن ۱ و تاریخ قرآن گنجانده شده است. همچنین، بسیاری از مباحث درس اصول و مقدمات تفسیر، از جمله مباحثی چون نسخ، محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، و مفهوم و منطوق در دروس علوم قرآن ۲، ۳، و ۴ نیز مطرح شده است.

جدول ۶. سرفصل‌های برخی دروس

| عنوان درس           | سرفصل تعیین شده                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| علوم قرآن ۱         | تعریف علوم قرآنی، معرفی اهم منابع علوم قرآنی، بررسی مباحثی از علوم قرآنی در دو محور «وحی» و «اسباب نزول»                                                                                                                                                                                          |
| علوم قرآن ۲         | بررسی اجمالی روش‌های بیان در قرآن با تکیه بر موضوع‌های قصه، مثل، جدل و استدلال، سوگند، انواع خطاب، مفهوم و منطوق، تقدیم و تأخیر، تکرار                                                                                                                                                            |
| علوم قرآن ۳         | بررسی اجمالی ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین                                                                                                                                                                                                                                    |
| علوم قرآن ۴         | بررسی اجمالی محکم و متشابه، تأویل، مجازات قرآن، آیات مشتبهات، مبهمات قرآن                                                                                                                                                                                                                         |
| تاریخ قرآن          | آغاز نزول قرآن و رابطه آن با بعثت، فترت وحی، نگارش قرآن و کتاب وحی، جمع و تدوین قرآن در دوره‌های متفاوت (عهد پیامبر (ص)، دوران خلفا)، تقسیمات و اجزای قرآن، رسم‌الخط قرآن و تغییرات آن، نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری قرآن، اختلاف قرائات و قراء سبعه، گزارشی از تاریخ ترجمه قرآن                      |
| اصول و مقدمات تفسیر | الف) بررسی علوم مؤثر در تفسیر (لغت و اشتقاق، صرف و نحو، معانی و بیان و بدیع، فقه و اصول، عقاید و کلام، اسباب نزول، حدیث و سنت)؛ ب) تبیین اصول و اصطلاح‌های مؤثر در تفسیر (ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، اصل سیاق، اقسام لفظ ظاهر و نصّ و مؤول، مفهوم و منطوق) |

در درس ۴ واحدی «تجزیه و ترکیب» نیز وضع بدین منوال است. سرفصل این درس به شرح زیر است:

تجزیه و ترکیب ۱: منتخبی از متون ادبی (جاهلی، اسلامی، و معاصر)

تجزیه و ترکیب ۲: منتخبی از متون ادبی (کلاسیک و معاصر)

با توجه به سرفصل‌های این دو درس چند پرسش قابل طرح است:

۱. تقسیم متون ادبی به «جاهلی، اسلامی، و معاصر» و نیز «کلاسیک و معاصر» از چه معیاری پیروی می‌کند؟ آیا متون اسلامی مربوط به متون قدیمی است و در تقابل با متون معاصر قرار گرفته یا مبنای دیگری وجود دارد؟ قرار گرفتن متون اسلامی بین متون جاهلی و معاصر می‌تواند تقسیم‌بندی صحیحی باشد؟ اگر احیاناً مراد از متون کلاسیک همان متون قدیمی است، در محتوای درسی تجزیه و ترکیب ۱ و ۲ چه تفاوتی میان متون جاهلی و کلاسیک وجود دارد؟

۲. با توجه به اختصاص چهار درس به ارزش ۸ واحد با عناوین «قرائت متون معاصر و مطبوعات»، «قرائت متون علوم قرآنی و تفسیر»، «قرائت متون حدیث و سیره»، و «قرائت

متون ادبی قبل و بعد از اسلام» در برنامه‌درسی، چه خاصیت علمی و آموزشی‌ای بر تفکیک و تمایز دروس چهارگانه قرائت متون از «تجزیه و ترکیب متون جاهلی، اسلامی، و معاصر» مترتب بوده است؟

۳. همین تکرار در درس «ترجمه از عربی به فارسی» به ارزش ۴ واحد نیز مشاهده می‌شود. برنامه‌درسی، به‌ویژه در ترجمه از عربی به فارسی ۲، منتخبی از متون عربی (کلاسیک و معاصر) است. مضاف بر آن، در این سرفصل تعداد ۴ واحد «اعراب قرآن» نیز در نظر گرفته شده است.

بدین ترتیب، حدود ۲۰ واحد درسی که حول یک مهارت است به‌صورت آشفته، نابسامان، و غیرعلمی طراحی شده است که، ضمن ایجاد خستگی در دانشجویان و زده کردن آن‌ها از درس، در نهایت نیز مهارت و تسلطی مطلوب و مقبول به‌دست نمی‌دهد. این ضعف علمی در کلاس‌های درس در بیش‌تر دانشجویان مشهود است. به‌دیگر سخن، دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد به‌صورت شایسته‌ای نمی‌توانند با متون عربی ارتباط برقرار کنند و این امر آسیب‌هایی جدی در مطالعات و پژوهش‌های دانشجویان به‌جا می‌گذارد. به‌نظر می‌رسد مشکل جدی‌تر این است که بخشی از محتوای این سرفصل‌ها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز گنجانده شده است که حاکی از فقدان نگاه نظاممند در تدوین سرفصل یک رشته دانشگاهی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

ضعف در تعیین اهداف رشته و دروس و نبودن تناسب لازم برنامه‌درسی با عنوان رشته از بزرگ‌ترین ضعف‌های این برنامه تلقی می‌شود. برقرار نبودن توازن درسی بین دو حوزه مطالعات قرآنی و مطالعات حدیثی در این سرفصل به‌روشنی مشاهده می‌شود. نبودن ارتباط منطقی بین دروس، بی‌توجهی به سیر مباحث درسی، بی‌دقتی در تعیین پیش‌نیازها، تکراری بودن برخی مباحث و خلأ مباحث ضروری دیگر، آشفتنگی، و نبود ملاک مشخص در انتخاب منابع از دیگر کاستی‌های این برنامه است. در سرفصل به مسئله ارزش‌یابی هیچ اشاره‌ای نشده است. روشن است که نگاه نظاممند (با عنایت به سایر مقاطع تحصیلی) و رویکرد هدفمندانه در تدوین این سرفصل حاکم نبوده است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد این سرفصل مبتنی بر اصول و مبانی برنامه‌ریزی درسی تدوین نشده است. نکته آخر این‌که حجم آموزش نسبت به وسعت علمی این رشته کافی نیست.



لازم است سرفصل در کارگروه‌های تخصصی با بهره‌گیری از افراد صاحب‌نظر و متخصص در رشته‌های گوناگون تدوین شود تا نیازسنجی، هدف‌گذاری، تعیین مأموریت رشته، طراحی علمی برنامه درسی، و سایر امور مرتبط بر اساس استانداردهای علمی شکل گیرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در درج نام «زرقانی» در متن سرفصل غلط‌تایی وجود دارد و به اشتباه «رزقانی» نوشته شده است.
۲. نام صحیح این کتاب *المدخل لدراسة القرآن الکریم* است، نه *المدخل فی علوم القرآن* که در سرفصل به اشتباه درج شده است.
۳. تفصیل آن در بخش بعدی با عنوان «تکراری بودن محتوای درسی برخی دروس و سرفصل‌ها» بیان خواهد شد.

### کتاب‌نامه

- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی سرفصل، متون و منابع آموزشی درس تفسیر قرآن کریم، گرایش علوم قرآن و حدیث»، در *آسیب‌شناسی علوم انسانی در ایران (کنگره ملی علوم انسانی)*، ج ۶، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۸). *شناخت‌نامه تفاسیر*، رشت: کتاب مبین.
- جمعی از اساتید (۱۳۹۰). *ماهیت رشته علوم قرآنی، تنظیم و ویرایش مصطفی فروتن تنها*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شکرانی، رضا (۱۳۷۵). «ضرورت تحول در آموزش زبان عربی»، *مجله زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ش ۸.
- شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۷۹). *مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی علوم قرآن و حدیث (مصوب جلسه ۴۰۶ مورخه ۱۳۷۹/۱۰/۱۸)*.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۸۵). «درباره اهمیت روش تحقیق و کاربرد آن»، در *راه‌بردهایی برای ارتقای علوم انسانی در کشور (کنگره ملی علوم انسانی)*، ج ۷، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۸). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ملکی، حسن (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی درسی (راه‌نمای عمل)*، تهران: مدرسه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی